

آکادمی

اجاره مغزها برای خلق وحشت و مرگ



عبدالرحمن نجل رحیم
عصب‌شناس و عصب‌پژوه

● وقتی «ریچارد روجاس»، اخراجی از نیروی دریایی آمریکا پس از دستگیری به پلیس می‌گوید: «من می‌خواستم همه آنها را بکشم! شما باید من را با تیر می‌زدید!»، می‌توان گفت مغز «ریچارد روجاس»، در زمان وقوع این حادثه، آماده کشتن زندگی در دیگران و خود و در اجاره برای خلق وحشت و مرگ بود. مهم این نیست که صدای وحشت و مرگ درون کاسه سر او بر اثر مصرف ماری‌جوانای آغشته به ماده توهم‌زا و روانگردان بی‌سی‌بی باشد یا از مغزی اسکیزوفرنیک برخاسته باشد یا از مغزی در تسخیر باور به عقیده‌ای افراطی که مدارهای ترس و نفرت مغز را بیدار کرده باشد، آنچه که حقیقت دارد، اتفاقاتی است که در مغز «ریچارد روجاس» افتاده است و او را به اقدامی عملی، واقعی، وحشت‌زا و مرگ‌آور کشانده است؛ اما در ظاهر، عمل «ریچارد روجاس» تروریستی قلمداد نمی‌شود؛ چون نیتی سیاسی پشت آن عمل نبوده است. در این خصوص تقصیر او، شخصی و عارضه‌ای فردی قلمداد می‌شود و به‌راحتی و سرعت نیز پرونده اهمیت اجتماعی و سیاسی موضوع، برای همگان و به‌ویژه نظام حاکم بسته می‌شود. ولی واقعا چنین است؟ پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد مغز تنها عضو بیولوژیک نیست، بلکه عضوی اجتماعی و سیاسی است. به این معنا که هیچ عملی نیست از مغز سر بزند که وابسته به شرایط زیست اجتماعی – سیاسی نباشد؛ درعین‌حال که ممکن است انگیزه اجتماعی –سیاسی مستقیمی برای آن پیدا نشود. به همین علت است که ما مناطقی جداگانه در مغز برای امور شخصی در مقابل امور اجتماعی و سیاسی نداریم. در این باره می‌توان گفت این جامعه است که مغزی علیل و بر اثر ترس و نفرت شده است. وجدان اجتماعی –سیاسی جامعه نمی‌تواند از مقابل آن یا بی‌اعتنایی رد شود، از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند و آن را امری فردی یا شخصی تلقی کند. درست است که مغز «ریچارد روجاس»، به خود او تعلق دارد که شهروند عادی نیویورکی با سابقه درگیری‌های اجتماعی قبلی است؛ اما به عبارتی استعاری می‌توان گفت مغز او در اجاره همان جامعه‌ای است که در آن پرورش یافته و به او خشونت و ایجاد وحشت و مرگ را آموخته است. جامعه‌ای با ثروت زیاد که پولش را برای جلوگیری و درمان از آسیب‌های مغزی مردمش خرج نمی‌کند و در پی آن است تا با ایجاد وحشت از دشمن‌های فرضی، با ساختن اسلحه برای نابودی مرگ انسان‌های دیگر برای شهروندانش کار تولید کند. سر و صدای عمل ضداجتماعی آمیخته با ایجاد رعب، وحشت و مرگ «روجاس» به‌سرعت خوابانده می‌شود؛ زیرا که از طرف دوستان بوده است. بدیهی است که اگر چنین عملی از طرف شخصی بود که ارتباط نژادی، قومی و دینی با دیگران داشت، آن وقت امری تروریستی قلمداد می‌شد و تمام دستگاه تبلیغاتی به راه می‌افتاد تا وحشت و ترس بیشتری در مغز مردم عادی از «دیگران» برافروزد و به این وسیله سیاست‌های توسعه‌طلبانه و وحشیانه خود را در قبال دیگران پیش ببرند. نمایش سوررئالیستی سفر «دونالد ترامپ» به عربستان و امضای قرارداد سنگین فروش اسلحه به این کشور، آیا در جهت تعمیم تجارت مرگ و ایجاد وحشت در دنیای دشمن‌خیز سفید یا سیاه، خیر یا شر، دوست یا دشمن، نیست؟ آیا عملکردهای «ترامپ»، تاکنون کافی نیست تا چهره وجدان‌پریش او را عریان کرده باشد که با افتخار از ایجاد کار برای آمریکایی‌ها با ساختن اسلحه‌های مرگ‌آور با پول نفت شیخ‌های عربستانی می‌گوید. آیا این خود آتش کینه و تنفر را در جهان نمی‌پراکند که آمریکا با زور قدرت نظامی و پول می‌خواهد خواسته‌های خود را بر جهان تحمیل کند و آمریکایی بسازد که میشر کینه، خشم و ترس در دشمنانی باشد که حاضر نیستند سر تسلیم بر بارگاه قدرت او فرود آورند؟ اگر حاکمیت آمریکا صلح‌طلب و در پی منافع انسانی، پول و قدرت خود را صرف می‌کند، چرا حتی کسر کوچکی از بودجه پول اسلحه‌سازی را برای پژوهش در راستای شناخت، جلوگیری و درمان این همه آزرده‌گی‌های مغزی نمی‌کند که ناشی از دانش ناقص ما درباره رشد و تکوین سالم مغز در شرایط مناسب است؟ چرا مسائل و مشکلات رفتاری حاد ناشی از مغز «ریچارد روجاس»‌ها، به‌عنوان مشکلات شخصی از عرصه پژوهش‌های اجتماعی و سیاسی حذف می‌شود؟ چرا فقط «ریچارد روجاس» برای اعمال خشونت‌بار، هولناک و وحشت‌زای خود باید سزائش و تنبیه فردی شود؟ آیا واقعیت این نیست که مغز «ریچارد روجاس»، هرچه متعلق به شخص او است، ولی در اجاره اصول حاکم بر جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند و همین نظم حاکم است که مغز او را در فرضی برای ایجاد وحشت، ترور و مرگ اجاره می‌کند تا ترس و کینه بپراکند و درعین‌حال در این ناامنی ساختگی، خود را منجی آسایش و آرامش جامعه معرفی کند؟

روزنامه شتر

پنجشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۹۶ • ۱۳ رمضان ۱۴۳۸ • ۸ ژوئن ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۸۸۲ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۳ • اذان مغرب ۲۰:۴۰ • اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

جلال پیرمرز آباد



مطالبات

۱۰ مطالبه حیاتی در حوزه اجتماعی مردم با رویکردهای قهری، قهر کرده‌اند

مطالبات مهمی مانند اقتصاد مقاومتی، توجه به تولید داخلی و... امیدوار بود. ۴- مسئله فضاهای مجازی امروز بسیار اهمیت پیدا کرده است. مردم نیازمند جواب شفاف‌ی از سوی دولتمردان در این زمینه هستند؛ آیا قرار است دولت از فرصت‌های فضای مجازی استفاده کند یا نگران تهدیدهای آن است؟ ۵- در شرایطی استثنایی به سر می‌بریم؛ در ۲۰ سال اخیر، این نخستین‌باری است که مدیریت‌های شهری (شوراهای شهر و روستا) با رئیس‌جمهور منتخب، آمد. از سوی دیگر، بحث‌های داغ آنها بر سر گشت ارشاد، حاشیه‌نشینی، فضای مجازی و موضوع فقر، حکایت از آن دارد که یکی از اصلی‌ترین چالش‌های پیش‌روی منتخب دوازدهمین دوره ریاست‌جمهوری، حوزه اجتماعی است. از سوی دیگر، پیام رهبری نظام که بعد از انتخابات منتشر و در آن از رئیس‌جمهور منتخب خواسته‌بود درباره موضوع آسیب‌های اجتماعی غفلت نشود و توجهی که در برنامه ششم توسعه به‌عنوان سند قانونی پیش‌روی آقای روحانی است، ما را به این باور می‌رساند که مطالبات مردم حتی اگر جنبه اقتصادی نیز داشته باشد، بدون حل پیامدهای اجتماعی آن میسر نیست. بنابراین برخی از مطالبات حوزه اجتماعی در چهارسال پیش‌رو را می‌توان این‌گونه دید: ۱- نظام رصد آسیب‌های اجتماعی باید ایجاد و فعال شود. خوشبختانه در برنامه ششم به این موضوع اشاره شده و دولت باید با جدیت آن را پیگیری کند. ۲- مدیریت اجتماعی کشور نیازمند یک بازنگری جدی به‌ویژه در حوزه ساختار است. در این میان می‌توان به سازمان بهزیستی به‌عنوان بزرگ‌ترین سازمان اجتماعی کشور توجه کرد. تجربه ۲۰ و چند سال حضور این‌جانب در عرصه اجرایی و مدیریتی کشور، یادآور می‌کند اکنون زمان آن رسیده که سازمان بهزیستی به معاونت ریاست‌جمهوری ارتقا پیدا کند؛ چراکه اساسا موضوعات بحث‌شده در این سازمان، فرابخشی بوده و حتی یک وزارتخانه هم برای پیگیری آن کفایت نمی‌کند. بنابراین ارتقای آن به معاونت ریاست‌جمهوری، نوید مدیریت اجتماعی قوی‌تر، سازمان یافته‌تر و عمل‌گرایانه‌تر را به مردم می‌دهد. ۳- دولت رویکرد خود را در زمینه اجتماعی در چهار سال پیش‌رو، رویکردی ارتقایی ببیند. از این دریچه می‌توان از دولتمردان پرسید برای ارتقای سلامت اجتماعی، افزایش سرمایه اجتماعی و... چه برنامه‌ای دارند. باید توجه داشت اگر دولت سرمایه‌های اجتماعی را افزایش ندهد، نمی‌تواند به مشارکت عمومی امیدوار باشد و در نتیجه نمی‌توان چندان به اجرایی‌شدن

در یادداشتی در روزنامه «شرق»، در ۱۹ آبان ۱۳۹۲ با عنوان «بره‌ای که هار شد!» با اشاره به ماجراجویی‌های تروریستی عربستان سعودی به مطلبی از فرید زکریا، مفسر صاحب‌نام سیاسی اشاره کرده بودیم که با عنوان «آیا سعودی‌ها دیوانه‌اند؟ چه بد!» نوشته بود: «اگر قرار بود جایزه‌ای به غیرمستولانه‌ترین سیاست خارجی تعلق می‌گرفت، قطعاً باید آن را به عربستان سعودی می‌دادند.» عربستان کشوری است که بیشترین مسئولیت را در ظهور رادیکالیسم و ستنیزه‌جویی مذهبی در سراسر جهان برعهده دارد. ثروت نفتی بیکران این کشور در ۴۰ سال گذشته صرف نوعی روایت افراطی، ستنیزه‌جویانه و بدون رواداری از اسلام شده است که به‌وسیله روحانیون وهابی تبلیغ می‌شود. به هر جای دنیا بروید- از آلمان تا اندونزی- با مراکز اسلامی‌ای برخورد می‌کنید که با پول عربستان ایجاد شده که به ترویج عدم رواداری و نفرت‌افکنی مشغول‌اند.

استوارت لوی که در سال ۲۰۰۷ از مقامات بالای

واکنش

اهانت به رنگ سفید و بنفش سیاسی‌کاری است



فریده غیرت

با کمال تأسف شاهدیم که برخی از افراد به خود اجازه می‌دهند در مسائلی که نه در آن تخصص دارند و نه از بابت اظهارنظر، آثار مفیدی بر جامعه خواهند داشت، نظر همراه با اهانت خود را از تریبون‌های مختلف اعلام کنند. در رأس همه اینها، مسائل مربوط به زنان است که برخی از آقایان به خود اجازه ورود به آن را می‌دهند و وقتی‌وبی‌وقت به طرق مختلف درباره مسائلی که مربوط به زنان می‌شود، اظهار عقیده می‌کنند. گویا اینها فکر می‌کنند در خلقت، اختیار همه مسائل زنان به این افراد سپرده شده است!

برهمن اساس است که شنیدن خیر اظهارات اخیر یکی از مسئولان در شهر ساوه، دردناک است. چه کسی به ایشان صلاحیت علمی و تشخیصی داده است تا درباره رنگ‌های پوشش زنان سخن بگویند؟ ایشان این صلاحیت و دانش را از کجا آورده‌اند؟ در دنیای امروز که دنیای علم و تحقیق و دانش است، ایشان از کجا دریافته‌اند که رنگ سفید نشانه چیست، رنگ سبز نشانه چیست و دست‌آخر رنگ بنفش نشانه چیست؟

جامعه زنان اگر بنا باشد در مقام جوابگوی به این اظهارات وارد عمل شود، راهکار قانونی خود را بلد است و می‌داند که می‌تواند براساس چه موادی از قانون به این سخنان واکنش نشان دهد. اما مسئله این است که بنده به‌عنوان یک حقوق‌دان، ضمن ابراز اعتراض شدید خود به سخنان اخیري که علیه زنان در شهر ساوه مطرح شده، معتقدم که از چنین افرادی نباید شکایات قانونی انجام داد و زمینه توجه بیش از این به اندیشه‌های آنها را فراهم کرد؛ چراکه واقعیت این است که این اظهارات به خاطر عدم تخصص و صلاحیت علمی فرد گوینده، تنها رنج شوندهگان را به‌همراه داشته و دارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی، چنین اجازه‌ای به افراد- و خصوصاً مردها- نداده است که در مورد مسائلی چون حجاب زنان داد سخن بدهند. در مسئله حجاب، قوانین و حدودودی مشخص شده که زنان در مقابل قانون، دین و جامعه، مسئولیت انجام آن را برعهده دارند و اگر تخلفی کنند، مجازات‌هایی برایشان در نظر گرفته شده است. اما این مهم به این معنا نیست که دیگری خارج از رابطه شهروند- قانون وارد میدان شوند و به بهانه طرح نظرات سیاسی خود، زبان به اهانت به زنان بکشانند. درست در زمانی که آقای روحانی با رای قاطع مردم به پیروزی رسیده است؛ سخن‌گفتن و طرح اهانت براساس رنگ کمپین حجابم ایشن، ورود به بازی سیاسی‌کاری است و به همین دلیل معتقدم که در لایه‌های زیرین این توهین، شاهد واکنش سیاسی سطح‌پایینی از سوی شکست‌خوردگان انتخابات اخیر هستیم که می‌خواهند با انگ‌زدن به این و آن رنگ، دامنه اهانت‌ها را گسترش دهند. مردم از یاد نبرده‌اند که در مورد سند ۲۰۳۰ نیز چنین شد و وارد و ناوارد، از تریبون‌های مختلف درباره این سند آموزشی سخن گفتند و اهانت کردند، اما امروز واقعیت‌های سند ۲۰۳۰ روشن‌تر از قبل و در چارچوب قانون، از سوی دولت مطرح شده و در اردوگاه آنها، سکوت خیمه زده است.

سلام به فردا

گوسفند «هار» در تهران!

در تهران و در مرز پاکستان است که پس از تهدید رسمی وزیر جنگ و نایب ولیعهد عربستان درباره کشاندن جنگ به داخل ایران رخ داده است و عربستان پس از تهدیدهای مکرر اخیر- و فتاوی نژادپرستانه ضدایرانی و ضدشیعه از سوی علمای آن کشور باید پاسخ‌گوی آن باشد. چند روز پیش ۱۰ نفر از جوانان مرزبان ایرانی با تیراندازی از داخل خاک پاکستان از سوی تروریست‌های تربیت‌شده در عربستان شهید شدند، و اکنون حوادث تروریستی نمایشی آنان در مجلس شورای اسلامی و در حرم امام خمینی(ره) رخ داده است. این حمله چند روز پس از جنایت منچستر نشان از خشم داعش و عربستان از شکستی دارد که پس از سال‌ها برنامه‌ریزی و هزینه در موصل و اکنون دریرجا در رقه سوریه نصیشان شده است. سیاست‌مداران باید مواظب سخنان مسئولیت آفرینشان باشند و وزیر جنگ و نایب ولیعهد جوان عربستان هم باید پاسخ‌گوی تهدیدی باشد که صریحاً به زبان آورده است. معمولاً آوردن سینه یا ارانه دلیل و مدرک برای اثبات ادعا برعهده مدعی است، اما تهدید رسمی وزیر جنگ عربستان و جنایات متعاقب آن برای آن کشور ایجاد و اثبات مسئولیت کرده و باید پذیرای عواقب آن باشد.

شرق؛ در کمتر از چند دقیقه بیشتر صفحات شبکه‌های اجتماعی پر بود از خبرها و شایعاتی درباره حمله تروریستی به حرم امام خمینی، گروگانگیری و تیراندازی در ساختمان مجلس شورای اسلامی. در کمتر از یک ساعت هشتک‌های Tehran #، Iran # به‌عنوان ترند شبکه‌های اجتماعی مطرح شد. در این میان بازار تحلیل‌ها و اظهارات ضد و نقیض جان گرفت. هشتک‌هایی‌مانند TehranAttacks نیز به صدر فهرست توییت‌های این روز رفت اما پس از نزدیک به چهار ساعت و پانزده دقیقه درگیری و اضطراب، کاربران توییت به بهانه پایان این حمله، هشتک «در-کنار-همیم» را به اشتراک گذاشتند. خبرنگاران مجلس در صحن بودند و خبرهای ضد و نقیض به سرعت مطرح می‌شد. بحث عدم اطلاع‌رسانی از سوی شبکه‌های صداوسما مورد اعتراض مخاطبان بود. از اینکه چطور شبکه خبر غایب

است و سی‌ان‌ان می‌تواند پخش مستقیم داشته باشد، کارشناس بیابرد و تصاویری را به طور مستقیم از خیابان‌های تهران منتشر کنند. هرچند گروهی از مردم هم درست شبیه به ماجرای پلاسکو، خود را به شاهدان و گزارشگران عینی و «در محل» حادثه بدل کرده بودند و این ازدحام باعث شد وزارت اطلاعات در این زمینه، اطلاعیه منتشر کند. عده‌ای دیگر نیز در کنار خیابان‌های مجلس حاضر بودند و صداهای تیراندازی را منتشر می‌کردند. عده زیادی از موتورسواران از اطراف بهارستان حضور داشتند. رفتاری که به شدت واکنش‌برانگیز بود و بار دیگر لزوم افزایش اطلاعات در موارد بحرانی را یادآوری کرد. درست مثل آن زمان که پلاسکو فروریخت و مردم با موبایل‌هایشان حاضر در صحنه بودند تا ثبت خاطره کنند. اما در این میان در شبکه‌های مجازی سعی شد با هشتک «در-کنار-همیم» یا «درکنارهمیم» وحدت‌ساز باشند. جالب اینجاست که در همین زمان، اسنپ هم با چنین هشتکی، به طور رسمی اعلام کرد که در کنار مردم است و با تخفیف ۵۰ درصدی، مسافران عصرگاهی تهران را به خانه‌هایشان می‌رساند. هرچند تعداد کسانی که توانستند از این فرصت استفاده کنند، بسیار اندک و معترضان به آن زیاد بودند. به سرعت عده‌ای عقلانی رفتارکردن را یادآوری کردند و از کاربران شبکه‌های مجازی خواهش می‌کردند فقط به بیانیه‌های رسمی یا اخبار خبرگزاری‌ها توجه کنند و نگذارند شایعه بیش از این دامن بگیرانند؛ نمونه این شایعه‌ها درباره عدم استرس و مثر و وسایل حمل‌ونقل عمومی بود. خبری که منتشر و چندی بعد تکذیب شد. از میان توییت‌های پرطرفدار، توییت پیام تصویری فردیکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا برای

گزارش فردا

شوک حضور داعش در تهران

تسلیت و ابراز همدری با قربانیان حادثه تروریستی تهران و بعد از آن هم انتشار فیلم شهادت برخی از شهروندان در مجلس بود که داعش به طور رسمی آن را منتشر کرد. البته توییت نیز به سرعت واکنش نشان داد و یک‌سری از اکانت‌هایی که فیلم داعش داخل مجلس را منتشر کردند، بست. در این میان بسیاری از پایان‌گرفتن صدای تیراندازی‌ها می‌نوشستند تا اینکه خبر رسید مهاجمان با لباس زنانه وارد شده‌اند. یکی از مهاجمان با بیش از ۱۰ خشاب دستگیر شده بود. هرچند بسیاری به حضور در محل ادامه دادند. به‌طوری‌که حتی یک ساعت پس از پایان عملیات تروریستی در مجلس در خیابان‌های اطراف پارلمان عبور و مرور با محدودیت روبه‌رو بود. با پایان‌یافتن ماجرا و گسترش هشتک «همه با_همیم»، هنرمندان و چهره‌های زیادی در فیس‌بوک، توییت و اینستاگرام با مردم ابراز همدردی

کردند: «نوید محمدزاده» در اینستاگرام خود نوشت: «ما که اطفال این دبستانیم/ همه از خاک پاک ایرانیم/ گر رسد دشمنی برای وطن/ جان و دل، رباگنر بيفشانيم». حبيب رضاي هم يکي ديگر از هنرمنداني بود که از مردم خواست متحد و کنار بکشد؛ راشند: «تهران، شهري که دوستش داريم، #ما بيا نگهبانت خواهيم بود...» و نوشت «برای دمی جاشدن از آشوب‌ها، تا در آرامش حاضر بودم و شهرهایمان و روح کشته‌شدگان بی‌گناهمان، از نای جان دعا کنیم. خدا را به این نگاه زلال قسم دهیم که فردای کودکانمان را امن و آبی قرار دهد. آمین». خداداد عزیزی هم در اینستاگرام خود ضمن محکوم‌کردن این حمله تروریستی از مردم خواست به شایعات دامن نزنند و در کنار همديگر باشند. از ديگر چهره‌هائي که هشتک‌های وحدت‌را کردند و روز گذشته در شبکه‌های مجازی منتشر کردند، می‌توان به بهرام رادان و حسين پاکدل اشاره کرد که هر کدام با قراردادن این هشتک و تصوير پرچم ايران، خود را در غم شهادت گروهی از مدافعان امنیت کشور شریک دانسته‌اند. رادان نوشت: «ایران به خاک خسته تو سوگند که بغض خفته دماوند». محمد فاضلی، نوشت: «تسلیت به بازماندگان شهدای حادثه تروریستی امروز. تشکر از نیروهای امنیتی برای پایان‌دادن به ماجرا. متحد در کنار یکدیگر، امنیت را استوارتر از گذشته، حفظ خواهیم کرد. تروریست‌ها کانسون اراده مردم را نشانه گرفتند، دهن‌های ما در مخاطب قرار دادند و قلب‌های ما را بدین و ترسو می‌خواهند. ما اما هم‌زمان شجاع، محتاط، عاقل، اخلاقی، امیدوار و متحد باقی خواهیم ماند».

بینانه

همراهی دولت با پیشنهادهای واقع‌بینانه و منطقی

جدید، هم به گردش‌نخبگان مجرب در سطح جامعه و هم به نظرات متخصصان دانشگاهی، فرهنگی و هنری توجه کند. امیدواریم دیگر نهادهای جامعه نیز با دولتی که برآمده از انتخاباتی کم‌نظیر در دنیای اسلام است و این امر از افتخارات نظام سیاسی ایران است، نهایت همکاری را مبذول کنند. حیف است انرژی و سرمایه وسیع ملی ما در اصطکاک‌های بین نهادهای بیرون و درون دولت هز رفته و نسل ما برای پیمودن راه دراز سازندگی و توسعه، بیش از این خسته و فرسوده شود». در انتها نیز ابراز امیدواری شده است: «ما به چنین آینده‌ای امیدوار هستیم و همراه شما همه‌یمنان گرامی برای رسیدن به آن تلاش خواهیم کرد».

